

بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو (۱۲۶۹-۱۲۷۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۷/۰۳

دکتر علی مرشدی زاد*

دکتر عباس کشاورز شکری**

بابک احمدپور ترکمانی***

چکیده

این مقاله به بررسی ابزارها و شیوه‌های بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو با هدف شناخت بیشتر تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی معاصر و نحوه عملکرد آنها می‌پردازد. سؤالی که در این مقاله مطرح شده این است که: فعالان نهضت تنباکو از چه ابزار و شیوه‌هایی برای بسیج و اقدام سیاسی بهره گرفته‌اند؟ فرضیه مؤلفان عبارت است از: در نهضت تنباکو، از شب نامه، سخنرانی در مساجد و منابر، صدور فتاوی و پیام‌های تلگرافی برای بسیج مردم و از بست نشینی، راهپیمایی، تظاهرات توده‌ای و پاره کردن اعلامیه‌های شرکت به مثابه اقدام عملی بر ضد حکومت استفاده شده است. این تحقیق به روش کیفی (تحلیلی-تاریخی) و با استفاده از ابزار اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. در این تحقیق ابتدا به ابزارها و شیوه‌هایی را که در جهت برانگیختن و تهییج توده‌ها و شکل دادن به نارضایتی‌ها به کار بردند، و سپس روش‌هایی که مخالفان در نهضت تنباکو برای پیشبرد مقاصدشان از آنها استفاده نموده‌اند، پرداخته شده است. نتایج تحقیق دلالت بر آن دارد که به دلیل ضعف بنیادی حاکمیت قجری و هوشمندی در انتخاب شیوه‌ها و حضور مولفه‌های ایمانی و اعتقادی، نهضت تنباکو توانست به اهدافش نایل یابد.

واژگان کلیدی

بسیج سیاسی، اقدام سیاسی، نهضت تنباکو، مذهب، ایران، جنبش اجتماعی

* استادیار گروه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

alimorshedizad@yahoo.com

** استادیار گروه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

abbaskeshavarz1@yahoo.com

babak.ahmadpour@yahoo.com

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

مقدمه

جنبش‌های اجتماعی در معنای وسیع آن، می‌توانند در هر جامعه و در هر زمینه و شاخه‌ای از زندگی اجتماعی به وقوع بپیوندند. اگر جامعه را به نظام و زیرنظام‌هایی تقسیم کنیم، جنبش اجتماعی می‌تواند در همه نظام‌ها و زیرنظام‌ها اتفاق افتد؛ مانند جنبش صنعتی، جنبش هنری، جنبش اقتصادی و... اما آنچه بیشتر از همه شهرت دارد و در اذهان جلوه می‌نماید، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی است. این جنبش‌ها از آن جهت که می‌توانند منشاء تغییرات اجتماعی باشند، از اهمیت بسیاری برخوردارند. به عبارتی هر جا جنبش موفقی اتفاق افتاده، به دنبال آن تغییری حاصل گشته است. در جهان امروز، جنبش‌هایی اجتماعی می‌شناسیم که موجب تغییراتی در سطح جهان بوده‌اند؛ مانند جنبش صنعتی. همچنین جنبش‌هایی مانند جنبش زنان وجود دارند که امکان تغییر جهان در همین سطح را در خود دارند. یکی از موضوعاتی که در مورد جنبش‌های اجتماعی دارای اهمیت است و توجه برخی از محققان این حوزه را به خود جلب کرده است، موضوع چنته یا خزانه جنبش است. منظور از چنته، ابزار و شیوه‌هایی است که جنبش اجتماعی در هر دوره با استفاده از آن‌ها دست به عمل می‌زند. به عنوان مثال، اگر به جنبش‌های اجتماعی نظر بيفکنیم، این شیوه‌های اعتراضی از شکل پرچین‌شکنی به عنوان شکل غالب اقدام سیاسی در اروپای قرن هیجدهم، تحول یافته و در مقاطع بعدی به تظاهرات و راهپیمایی و میتینگ تبدیل شده است. این تغییرات معمولاً به صورتی آرام انجام می‌گیرد و شیوه‌های پیشین نیز تا مدت‌ها دوام می‌آورند. مقاله حاضر، می‌کوشد سیر تحول ابزار و شیوه‌های (چنته‌های) اقدام سیاسی و بسیج در ایران را در نهضت تنباکو مشخص سازد. این مقاله سعی می‌کند به شیوه پستی از طریق احصای اشکال گوناگون بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو، چنته مردمی کنش جمعی را مشخص کند. چنان‌که در این مطالعه خواهد آمد ذیل اشکال بسیج و اقدام سیاسی، شش گونه ابزار و شیوه اقدام سیاسی و سه گونه ابزار و شیوه بسیج احصا شده و مورد شناسایی قرار گرفته است و سعی شده ویژگی‌ها و مشخصه‌های هر کدام به صورت جداگانه دسته‌بندی و توضیح داده شوند.

جنبش‌های اجتماعی ابزار و شیوه‌های عمل خود را بنا به شرایط زمان خود انتخاب می‌کنند و تغییر می‌دهند. تیلی این ابزارها و شیوه‌ها را به عنوان چنته یا خزانه^۱ جنبش معرفی می‌کند. تیلی به عنوان جامعه شناس و نیز به عنوان مورخ اجتماعی، برخی از آثار خود سیری از تحول در چنته را در تاریخ جنبش‌های اجتماعی در اروپا نشان می‌دهد. تیلی معتقد است که محیط جغرافیایی، شرایط سیاسی، امکاناتی که محیط در اختیار ما می‌گذارد و عواملی از این قبیل در بهره‌گیری از موارد خاصی از چنته جنبش‌های اجتماعی مؤثر هستند (تیلی، ۱۳۸۹، ص ۸۴). به عنوان مثال در تاریخ اروپا، در زمانی که معترضان اروپایی، زمینداران را در مقابل خود می‌دیدند، به پرچین شکنی به عنوان ابزاری برای اعتراض روی می‌آوردند و با حمله به منافع زمینداران، آن‌ها را تخریب می‌کردند. هنگامی که دولت به عنوان آماج شناخته شد، شیوه اقدام سیاسی نیز تغییر کرد و به صورت نمایش‌های خیابانی در آمد. از این زمان بود که تظاهرات وارد چنته جنبش‌های اجتماعی شد (تیلی، ۱۳۸۵، صص ۶۲-۲۷).

به اعتقاد تیلی، جنبش اجتماعی بدان صورتی که پس از سال ۱۷۵۰ در غرب ظهور کرد، حاصل ترکیب ابداعی و مهم سه عنصر بود:

الف. تلاش عمومی پایدار و سازمان یافته برای طرح ادعاهایی در مقابل مقامات هدف (تیلی این را پویش یا کمپین می‌نامد)؛

ب. استخدام ترکیب‌هایی از میان شکل‌های کنش سیاسی زیر: ایجاد انجمن‌ها و ائتلاف‌های دارای مقاصد خاص، میتینگ‌های عمومی، رژه‌های رسمی، شب زنده‌داری‌ها، راهپیمایی‌ها، تظاهرات، تهیه دادخواست، صدور بیانیه‌هایی به رسانه‌های جمعی و یا انتشار آن‌ها در آن رسانه‌ها، و چاپ جزوات (مجموعه متنوع این اقدامات را چنته جنبش اجتماعی می‌نامد)؛

ج. نمایش هماهنگ و عمومی WUNC^۲ از سوی شرکت کنندگان.

با توجه به این مطالب، چنته یا خزانه جنبش (شکل جنبش یا به بیان دیگر، ابزارها و شیوه‌هایی که به کار می‌گیرد)، بخشی از آن جنبش محسوب می‌شود و در شناخت یک جنبش اجتماعی دارای اهمیت است.

اگر چه در عمل ابزارها و شیوه‌های جنبش از یکدیگر قابل تفکیک هستند، در این مقاله نمی‌توان تمایز دقیقی بین ابزارها و شیوه‌ها قائل شد و هر کدام از آن‌ها را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داد. به عنوان مثال، شب نامه از ابزارهای بسیج در جنبش اجتماعی محسوب می‌شود و پخش شب نامه شیوه عملکرد جنبش محسوب می‌شود. این دو در ارتباط با هم معنا می‌یابند و متمایز کردن آن‌ها امکانپذیر نیست. بنابراین، اگرچه در عنوان این تفکیک آمده است، در مقام بررسی، تنها به تفکیک میان بسیج و اقدام سیاسی اکتفا می‌شود.

۱. تاریخ تحلیلی نهضت تنباکو

فعالیت مربوط به تولید و تجارت تنباکو یکی از بخش‌های عمده اقتصاد دوره ناصرالدین شاه محسوب می‌شد و حدوداً یک پنجم مردم ایران از طریق خرید و فروش تنباکو امرار معاش می‌کردند (مدنی، ۱۳۶۱، ص ۲۱). اما در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا در آوریل ۱۸۸۹م. (۱۳۰۶ق.) در هنگام توقف در انگلستان، پیشنهادهایی در زمینه گرفتن امتیازهای جدید به او و امین‌السلطان صدراعظم کردند. از جمله این پیشنهادهای امتیاز توتون و تنباکوی ایران بود. در نتیجه شاه در ۸ آوریل ۱۹۸۰م. (۱۳۰۷ق.) امتیاز فروش و صادرات تنباکو را به مدت ۵۰ سال در مقابل ۲۵ هزار لیره پیشکش، سالانه ۱۵ هزار لیره و یک چهارم سود خالص به شرکت تالبوت واگذار کرد که به امتیاز رژی معروف است. از پانزده فصل امتیازنامه همه به صرفه و نفع صاحب امتیاز بودند. پیرو این ماده‌ها همه زمیندارانی که توتون تولید می‌کردند دستور داده شده بود که خود را به نمایندگی کمپانی معرفی کنند و در غیر این صورت جریمه یا زندانی خواهند شد و پنهان کردن و یا فروش خودسرانه توتون نیز ممنوع شده بود و به دارنده‌ی امتیاز حق داده شده بود که خودش هر قیمتی که بخواهد برای محصولات توتون معین کند. در ضمن بر طبق قرارداد، دولت ایران موظف شد که برای تسهیل فعالیت شرکت از هیچ اقدامی حتی زور کوتاهی ننماید تا بدین ترتیب اعتبار کمپانی را افزایش دهند. از عواقب این کار برای مثال می‌توان به کارکنان کمپانی اشاره کرد که نسبت به افراد ایرانی با خشونت رفتار می‌کردند (براون، ۱۳۷۶، ص ۶۳).

بازرگانان که به عنوان بخشی از گروه‌های مخالف قرارداد رژی محسوب می‌شدند از همان ابتدا مخالف خود را با قرارداد اعلام کردند و در این زمینه دست به اعتراضاتی زدند. برای نمونه می‌توان به بازرگانان تنباکو فروش فارس اشاره کرد که در میان آن‌ها بزرگترین تجار ایرانی دیده می‌شد که انحصار دخانیات زیان‌های جبران ناپذیری به آن‌ها می‌زد. بنابراین از همان اوایل بیکار نشستند و با رجوع به علما خواستار ارائه راه حلی شدند که اقدام سیاسی علیه انعقاد قرارداد مذکور، نتیجه نهایی آن بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹، ص ۹۴).

بدین ترتیب در زمستان ۱۳۰۸ ق.، وقتی که مأمورین انگلیسی کمپانی رژی تا نزدیکی شهر شیراز رسیدند جمع کثیری از مردم شهر دکان‌ها و بازار را بسته، به رهبری و هدایت حاج سید علی اکبر فال اسیری در مسجد وکیل شیراز جمع شدند. گفته‌های فال اسیری که در هدایت مردم شیراز کاملاً مؤثر بود، به تبعید او منتهی گشت. تجار شیراز در همین زمان در اعتراض به بی‌حرمتی نسبت به عالم برجسته شیراز، اعتراض خود را آشکار کردند؛ مردم را علیه انگلیسی‌ها و ماموران دولتی تحریک نمودند و تمام دکان‌ها و بازارها را بسته برای تحصن به شاه چراغ که محل زیارت شیرازیان بود، روانه شدند. اما دولت در واکنش، برای سرکوب جنبش توسط سوار بهارلو به قتل مردم پرداخت و تعدادی از آن‌ها را کشت. حکومت شیراز فردای قتل عام مردم، نمایندگان کمپانی را که مدت‌ها از ترس مردم در خارج از شهر منتظر بودند با استقبال و تشریفات بسیاری وارد شهر کردند (زنجان، بی‌تا، ۶۹-۶۸). در پی این اقدام اعتراضات مردم به کل شهرهای ایران از جمله تبریز، اصفهان، مشهد، قزوین، یزد و تهران سرایت کرد. اقدام سیاسی در تبریز به رهبری و راهنمایی علمای دینی چون میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی با ارسال تلگراف اعتراضی علیه قرارداد انحصار دخانیات آغاز شد.

در اصفهان نیز مردم به رهبری علمای دینی به خصوص با هدایت سید محمد تقی معروف به آقا نجفی قاطعانه در برابر برنامه‌های کمپانی مقاومت کردند. مرحوم آقا نجفی از جمله روحانیون شریعت مداری بود که هیچ‌گونه انحرافی در دین را برنمی‌تابید و این انحصار را سلطه کفار بر سرزمین‌های اسلامی قلمداد می‌کرد (رهبری، ۱۳۸۷، صص ۱۲۲-۹۵). با این که ظل السلطان فرزند ارشد ناصرالدین شاه با تهدیدات

گسترده سعی در خاموش کردن جنبش را داشت، اما مردم در اصفهان مغازه‌ها را بستند و دست به اعتراض زدند. حتی در این مرحله از اعتراضات، آقا نجفی فتوای تحریم خرید و فروش و استعمال دخانیات را صادر کرد و آن دسته از مسلمانان اصفهان که در مسائل شرعی و دینی از آقا نجفی پیروی می‌کردند به فتوای او از خرید و فروش تنباکو دست کشیدند و اعتراضاتی هم در برخی نقاط شهر گزارش شد (صفایی، ۱۳۶۳، ۱۴-۱۳). علاوه بر تبریز و اصفهان، شیراز، مشهد و در چند شهر دیگر نیز اعتراضاتی به پا شد. از جمله در سمنان و در یزد هم مردم به رهبری علما برای لغو قرارداد رژی اعتراضات پراکنده‌ای را انجام دادند (کربلایی، ۱۳۷۳، ص ۸۰).

اعتراضات پراکنده ایالت‌های مختلف، بر تصمیم دولت تأثیری نگذاشت. از این رو رهبران مذهبی از میرزای حسن شیرازی که مرجع تقلید شیعیان در آن زمان بود، خواستند که به اقدامات دولت اعتراض کند. آیت‌الله سید علی‌اکبر فال‌اسیری که به عراق تبعید شده بود، با او تماس گرفت و وضعیت را برایش تشریح نمود و آقای منیر الدین نماینده علمای اصفهان، برای کسب تکلیف از ایشان به سامره رفت. در نتیجه در تاریخ ۱۹ ذی حجه ۱۳۰۸ میرزای شیرازی نامه‌ای به ناصر الدین شاه نوشت و در آن به رفتار سوء دولت با علما اعتراض نمود و مخالفت خود را با قرار داد انحصار تنباکو اعلام کرد.

شاه به این نامه پاسخی نداد، اما کارپرداز دولت که در بغداد مقیم بود، ماموریت یافت که میرزا را از منافع قرارداد مطلع سازد. میرزای شیرازی در برابر توضیحات قانع نشد و نامه‌ای به میرزا حسن شیرازی نوشت و از او خواست تا به نمایندگی از وی علیه قرارداد اقدام کند. میرزا حسن آشتیانی، معروفترین رهبر مذهبی تهران، یکی از شاگردان او و دیگر مجتهدین که رهبری دینی ایالت مختلف را بر عهده داشتند، به عنوان رهبران داخلی وارد عمل شدند و مردم را سازمان دادند. الگار این موفقیت را چنین توضیح می‌دهند:

«بنابراین منبع اصلی مخالفت با انحصار، در سامره بود؛ اما در این اعتراض نقش علما و مردم ایران، به خصوص در پایتخت به همان اندازه مهم بود» (الگار، ۱۳۶۹، ص ۲۱۳).

در مقابل کمپانی نیز به شاه شکایت برد و تلاش کرد تا تحریم را بشکند. اما تمام تلاش‌ها بی‌فایده بود. در نتیجه کمپانی و شاه تلاش کردند تا به توافق دست یابند؛ آن‌ها دامنه فعالیت‌های کمپانی را به صادرات محدود کردند و نظام تجارت داخلی را بر عهده تجار ایرانی گذاشتند؛ اما این سیاست، اعتراضات را کاهش نداد. کامران میرزا، میرزا حسن آشتیانی را به قصر خویش دعوت کرد و از او خواست تا تحریم را بشکند؛ اما پاسخ او منفی بود (کربلایی، ۱۳۷۳، صص ۱۲۱-۱۲۰). در نتیجه ناصرالدین شاه نامه‌ای تند برای میرزای آشتیانی فرستاد و به او دستور داد تا برای شکستن تحریم، در ملاء عام قلیان بکشند؛ یا در غیر این صورت تهران را ترک کند (تیموری، ۱۳۵۸، ص ۱۳۵). روز سوم جمادی الثانی ۱۳۰۹ ق. میرزا حسن آشتیانی خود را برای خروج از تهران آماده می‌ساخت که پیروان او با تجمع در اطراف خانه‌اش مانع رفتن وی شدند، بازار بسته شد و حدود ۴۰۰۰ نفر معترض، اطراف کاخ شاه گرد آمدند و شعارهایی علیه سران حکومت سر دادند. در همین موقع، امام جمعه تهران در مسجد شاه بر منبر رفت و به طرفداری از قرارداد به سخنرانی پرداخت. زنان معترض، فریادهای خویش را متوجه او کرده و علیه او شعار دادند. کامران میرزا از مردم خواست تا محل را ترک کنند اما مردم به او حمله ور شدند و او به داخل کاخ گریخت. فشار مردم اعتراض کننده بیشتر شد؛ به حدی که به نگهبان کاخ فرمان آتش داده شد. چند نفر از معترضان کشته شدند و علما با این سیاست که دو روز بعد در مسجد شاه تجمع خواهند کرد، مردم را پراکنده نمودند. به این ترتیب، ناصرالدین شاه متقاعد شد که دیگر قادر به حمایت از قرارداد نمی‌باشد؛ یک انگشتی به رسم هدیه برای میرزا حسن آشتیانی فرستاد و قول داد تا قرارداد را فسخ کند (کربلایی، ۱۳۷۳، صص ۱۶۳-۱۶۰). در نهایت شاه قرارداد را بر هم زد و در تاریخ ۶ بهمن ۱۲۷۰ میرزای شیرازی طی تلگرافی از مردم خواست تا به سرکارهای عادی خویش باز گردند.

۲. سیر تحول ابزارها و شیوه‌های بسیج در نهضت تنباکو

۲-۱. مسجد و منبر

از جمله مهمترین کانون‌هایی که در شکل‌گیری و تقویت اقدام سیاسی مردم مؤثر بود، مساجد و منابر بودند. به دلیل ماهیت سیاسی دین اسلام، مسجد به عنوان کانون فعالیت‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، نقش مهمی را در تاریخ پرفراز و نشیب اسلام داشته است. این نقش به ویژه در تشییع به علت سرنوشت ویژه و تاریخ پرحادثه‌ی آن و درگیری‌های فراوان آن با نظام‌های حاکم، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در واقع مساجد و منابر ظرفیت‌های ویژه و نفوذی در خود توجه داشتند که محدودیت‌های روزنامه‌ها و نشریات نیز بر آن‌ها قابل اطلاق نبود. برای همین است که روحانیت به خوبی توانست از این طریق در این نهضت ایفای نقش نماید.

مسجد به عنوان نهادی سازمان‌دهنده که میان اعضای جامعه ارتباط برقرار نموده و شرایط بسیج را مهیا می‌کند، توان بالایی بسیج‌گری داشت. برای مثال در ماه رمضان سال ۱۳۰۸ق. زمانی که ماموران رژیم به نزدیکی شهر شیراز رسیدند تعدادی از تجار مغازه‌ها و دکان را بستند و از مردم خواستند که در برابر ظلم و بی‌عدالتی ایستادگی کنند. مردم هم در این مبارزه میدان را خالی نگذاشته و به رهبری حاج سید علی اکبر فال اسیری که به واسطه شجاعت و تدبیرش در میان مردم شهرت داشت به سمت مسجد وکیل شیراز حرکت کردند و در آن‌جا جمع شدند (تیموری، ۱۳۵۸، ص ۵۲).

فال اسیری در شیراز نقش رهبری را برعهده گرفته بود. به این ترتیب که بعد از رفتن به منبر حملات شدیدی را متوجه دولت و کمپانی کرد. این اقدام فال اسیری در واقع مبارزه جدی و سراسری مردم ایران علیه کمپانی و دولت محسوب می‌شود که از طریق مسجد و منبر امکان پذیر شد. وی در سخنرانی در مسجد چنین اظهار کرد: «موقع جهاد عمومی است ای مردم بکوشید جامه زنان نپوشید من یک شمشیر و دو قطره خون دارم. هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید شکمش را با این شمشیر پاره خواهم کرد و به حالت گریان منبر را ترک کرد (تیموری، ۱۳۵۸، ص ۵۳).

اگر چه اعتراضات شیراز با شدت عمل حکومت تا حدی خاموش شد اما توانست به دیگر شهرهای ایران سرایت کند. از جمله می‌توان به شهر تبریز اشاره کرد که در برابر شرکت دست به اعتراض گسترده زدند تا حدی این اعتراضات نتیجه سخنرانی‌های آقا مجتهد تبریزی علیه کمپانی رژی در منابر بود. آذربایجان شرقی در آن زمان از استان‌های ثروتمند کشور بود و در مقایسه با سایر استان‌ها از جمله فارس از وضعیت بهتری برخوردار بود (سید امامی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸). در تاریخ ۱۵ اوت یکی از نمایندگان انگلیس در تبریز چنین گزارش کرد:

«حاجی میرزا یوسف آقا مجتهد در دوازدهم ماه جاری به مخالفت جدی با رژی بر منبر سخن گفت و از جمله گفت که کفار در امر معاملات تنباکو به این جا آمده‌اند و هر مسلمانی که به آن‌ها پیوسته باشد کافر و معدوم الدم است» (تیموری، ۱۳۵۸، صص ۹۷-۹۸).

در اصفهان نیز وضع به همین منوال بوده است و روحانیون نقش مؤثری را ایفا نمودند. در این زمینه ابراهیم تیموری چنین می‌نویسد:

«اصفهان نیز از شهرهایی هست که در آن موقع مردمش برای لغو رژی کوشش‌های شایان تقدیری به عمل آوردند و باید گفت در بین علما ایران علما اصفهان اولین دسته‌ای بودند که خرید و فروش دخانیات را منع کردند و به مقاومت منفی پرداختند (تیموری، ۱۳۵۸، ص ۲۷۸).

به این ترتیب که علما به رهبری آقا نجفی در اصفهان مخالفت با رژی را از مساجد آغاز کردند و با سخنرانی‌های اعتراضی، مردم را علیه کمپانی تحریک به نافرمانی و آن‌ها را به مقاومت منفی با شرکت رژی فراخواندند. در واقع تحریم خرید و فروش و استعمال دخانیات در این شهر در نتیجه‌ی این دست سخنرانی‌های روحانیون بود. در مشهد نیز تجار بعد از این که موفق نشدند عرض‌حالی به ناصرالدین شاه تلگرام بزنند تصمیم گرفتند در مسجد گوهرشاد جمع شوند. آنان تمام شب را به همراهی علمایی که برایشان سخن می‌گفتند در مسجد گذراندند و با سخنرانی‌های آن‌ها بیشتر آماده‌ی مقاومت و مبارزه با انحصار گردیدند.

۲-۲. روزنامه

همان طور که آشکار است عوامل بیداری و بسیج مردمی در جریان شکل گیری نهضت تنباکو زیادند. اما در این میان انتشار روزنامه از جمله ابزار و شیوه‌ای بود که موجب تحول ژرف اندیشه در ایران گردید. به عبارتی روزنامه‌ها در نهضت تنباکو به عنوان نخستین ابزار و شیوهی بسیج، نقش بسیار مهمی را در برانگیختن توده‌ها علیه شاه برعهده داشتند که با سرازیر کردن اطلاعات و اخبار به جامعه، اذهان عمومی را آماده‌ی پرداختن به مسائل جامعه مهیا کردند و آن‌ها را از حالت انفعالی بیرون کشیده و فضای اندیشه‌ی جامعه را به پویایی و کنکاش وا داشتند و بستر آفرینندگی و مشارکت مردمی در مسائل روز جامعه‌ی خود گسترانده و اقشار عمومی را علیه وضع ابتدال نظام قاجاری شوراندند.

بی تردید اولین مبارزه‌ی دسته جمعی مطبوعات ایرانی، به هنگام واگذاری انحصار تنباکو و توتون به یک شرکت انگلیسی آغاز شد. موقعی که دولت قرارداد را امضاء کرد برخی از مطبوعات متن مذاکره و اصول و شرایط آن را به تفصیل چاپ کردند و به شدت به دولت حمله کردند. مهمترین این روزنامه‌ها قانون بود که در سال ۱۳۰۷ق. (۱۸۸۹م.) در لندن انتشار می‌یافت و مدیر و صاحب امتیاز آن میرزا ملکم خان ناظم الدوله بود. به این ترتیب که در ژوئیه ۱۸۹۰م. وی در این روزنامه از واگذاری میراث مسلمانان به ماجراجویان بیگانه به طور کلی شکوه کرد و همچنین به نظام حکومتی قاجار با لحن تندی انتقادات جدی وارد ساخت؛ او این نظام را استبدادی دانست و معتقد بود باید سیستم حکومتی تغییر کند (کدی، ۱۳۵۶، ص ۶۷).

روزنامه دیگری که در این زمان اکثریت توده‌های مردم را برضد اقدامات استبدادی ناصرالدین شاه بسیج می‌کرد، روزنامه اختر بود که در استانبول منتشر می‌شد. این روزنامه مقالاتی در انتقاد از قرارداد تنباکو و حکومت استبدادی ناصرالدین شاه به چاپ رسانید و به داخل کشور ارسال نمود که هر کدام از آن‌ها نقش مهمی را در تهییج و برانگیختن مردم برعهده داشتند. این مقالات در واقع نقش بسیج‌گری ابزار و شیوه‌ی فوق را به وضوح نشان می‌دهند و به همین خاطر به صورت اجمالی در زیر به هر کدام از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

مقاله اول در ماه نوامبر منتشر شد که در آن آزادی خواهان با لحن شدیدی به امتیاز تنباکو حمله کرده بودند. این مقاله در روزنامه صباح به زبان ترکی توسط عثمانی ها نوشته شده بود که ترجمه فارسی آن در شماره ۱۳ روزنامه اختر چاپ استانبول مورخ سه شنبه ۲۷ ربیع الاول سال ۱۳۰۸ ق. (برابر با ۱۱ نوامبر ۱۸۹۰ م.) منتشر شد. این مقاله بعد از این که اجمالاً به مفاد قراردادنامه مابین ایران و شرکت رژی اشاره می کند، نشان می دهد که صاحب امتیاز با توجه به تخمین های ناظر کل گمرکات، می بایست سود ویژه سالانه ای برابر با ۵۰۰ هزار لیره به دست آورد و همچنین اضافه می کند که آنچه عاید دولت ایران می شود بسیار ناچیز و کم است. سپس با مقایسه شرکت رژی در ایران با شرکت رژی در عثمانی خاطر نشان می سازد که این شرکت در ایران از سود بیشتری برخوردار خواهد بود. مقاله در پایان به مضرات قرارداد که در صورت اجرایی شدن می تواند دامنگیر مردم و دولت شود، تذکر می دهد و آزادی خواهان و روحانیون ایران را به مبارزه با آن دعوت می کند (تیموری، ۱۳۵۸، صص ۳۶-۳۳).

مقاله دوم که در ۱۳ ژانویه ۱۸۹۱ م. منتشر گردید موجب شد تا ناصرالدین شاه ورود آن را به ایران ممنوع کند. در این مقاله، نگارنده در ابتدا با نشان دادن وضعیت مطلوب داخلی کشورهای همسایه به خصوص، پیشرفت آموزشی و ترقیات اقتصادی آن ها سعی می کند با مقایسه، به روشن کردن وضعیت داخلی کشور ایران بپردازد. در حقیقت نگارنده با طرح این مسئله سعی می کند ریشه های فساد و بی عدالتی را در کشورمان تبیین کند (کربلایی، ۱۳۷۳، صص ۵۵-۵۴).

محتوای مقالات فوق نشان می دهند که در ابتدا انتقاد مخالفان نه صرفاً با قرارداد تنباکو، بلکه با بی قانونی و کلاً با نظام استبدادی حکومت قاجار برخاسته است اما اندکی بعد از اخراج سید جمال الدین اسدآبادی، مخالفت با دولت رفته رفته هرچه بیشتر متوجه قضیه امتیاز تنباکو شد و روزنامه اختر در بیداری و بسیج توده ها نقش اساسی تری بر عهده گرفت. در این زمان روزنامه اختر مقاله معروف خود را درباره ی امتیاز تنباکو به چاپ رسانید. جریان به این شکل بوده که وقتی تالبوت صاحب امتیاز رژی از انگلستان عازم ایران شد چند روزی در استانبول توقف کرد. در طول اقامت تالبوت در استانبول مدیر روزنامه اختر بعد از قرار ملاقات موفق شد مصاحبه ای با وی

به عمل آورد. این مصاحبه تحت عنوان «سخنی چند در انحصار تنباکو و توتون ایران» به صورت مقاله‌ای در شماره ۲۳ مورخ ۹ جمادی الآخر سال ۱۳۰۸ ق. (اواخر ژانویه ۱۹۸۱ م.) منتشر شد. این مقاله پس از گزارش گفتگوی نویسنده مقاله با تالوت، به زیان‌هایی اشاره می‌کند که به محض اجرا شدن قرارداد دامنگیر زارعان و تاجران در ایران می‌گردد. سپس به مقدار منفعتی که دولت ایران و دولت ترکیه از انحصار تنباکو عایدشان می‌گردد و این که دولت عثمانی در مقایسه با دولت ایران منافع بیشتری حاصل می‌کند می‌پردازد و اصول قرارداد را زیر سوال می‌کشد (تیموری، ۱۳۵۸، صص ۳۷-۳۹).

به این ترتیب این مقاله و مقالاتی که در بالا اشاره کردیم همگی نشان از استفاده مؤثر از ابزار و شیوه‌ی نوینی در بسیج و اقدام سیاسی مردم ایران دارد. مخالفان زمانی که دیدند در نتیجه‌ی اجرای قرارداد انحصار، استقلال اقتصادی و سیاسی کشور در مخاطره می‌افتد، تصمیم گرفتند با ابزارها و شیوه‌هایی که در اختیار دارند به تنویر افکار عمومی بپردازند و از مردم در این راستا کمک بگیرند.

۲-۳. شبنامه

یکی دیگر از ابزارهایی که مخالفین در نهضت تنباکو با استفاده از آن‌ها به بیداری مردم کوشیدند شبنامه‌ها بودند. مهمترین ویژگی مهم شبنامه‌ها سرعت گردش آن در دست مردم و موضوع دیگر استناد به شبنامه‌ها در محافل و صحبت‌های روزانه بود که نقش بسزایی در تنویر افکار عمومی داشتند.

در نخستین شبنامه‌هایی که برای مخالفت با قراردادهایی که حکومت ایران به بیگانگان واگذار می‌کرد نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در انتشار آن‌ها بسیار مشهود است؛ نوشته‌هایی بی نام و نشان که در تبریز و تهران در اواخر مارس و در ماه آوریل از طرف پیروان سید جمال پخش می‌شد تماماً با لحن اسلامی که سید جمال به کار برده، نوشته شده بودند و کسانی که منشأ صدور این شبنامه‌ها بودند، بیشتر افرادی بودند که در سفر اخیر وی به ایران مجذوبش شده بودند (کدی، ۱۳۵۶، ص ۸۱). علاوه براین، سید جمال الدین بعداز ملاقات با سیدعلی اکبر که در بصره به سر می‌برد به

اصرار او نامه‌ی خود را در مخالفت با سیاست امتیاز بخشی دولت به شیراز نوشت. در این نامه در حقیقت سیدجمال نابودی کشور را به خاطر فروش آن به بیگانگان نزدیک پیش بینی کرده ولی راه چاره را در این دانسته که علما فقط با رهبری میرزای شیرازی می‌توانند اوضاع را کنترل نمایند. سید جمال زمانی که به لندن رفت این نامه را چاپ کرد و برای دوستان ایرانی‌اش فرستاد تا آن را به صورت پنهانی پخش کنند (ملک زاده، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۱۳۰-۱۲۸).

به علاوه در برانگیختن مردم علیه امتیاز انحصار توتون و تنباکو، معترضان تبریزی نقش بسیار مهمی را بازی کردند. به این ترتیب که شبنامه‌ها به عنوان ابزاری بسیج مردمی در این شهر انتشار بیشتری داشت (کهن، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۴۱).

به این ترتیب زمانی که خبر حرکت نمایندگان کمپانی رژی به تبریز رسید مردم شبانه آگهی‌هایی که کمپانی به در و دیوارها چسبانده بود را پاره کردند و به جای آن نوشته‌هایی توهین آمیز به ضد کمپانی و طرفدارانش انتشار دادند. متن شبنامه‌ها بسیار تهدیدآمیز و در بسیاری صراحتاً از مردم جهت مبارزه با کمپانی دعوت به عمل آمده بود. به عنوان نمونه در برخی از آن‌ها آمده بود که هرکس با کمپانی بخواهد وارد معامله شود و یا به همکاری با آن‌ها پردازد، کشته خواهد شد و در ضمن از مردم دعوت شده بود که در این اقدام همراهی لازم را داشته باشند. در این شبنامه آمده بود:

«لعنت بر کسی که یک مثقال تنباکو به فرنگیان بفروشد. لعنت بر فرنگی‌هایی که بخواهند عادت کفار را بر ما تحمیل کنند. ما اول فرنگی‌ها را می‌کشیم... لعنت بر پدر کسی که این اعلان را پاره کند» (آدمیت، ۱۳۶۰، صص ۳۵-۳۴).

همان طور که ملاحظه می‌کنیم شدت و تعداد شبنامه‌ها در جنبش ضد رژی تبریز نسبت به بقیه شهرها گسترش بیشتری داشته است و این احتمالاً به دلیل موقعیت جغرافیایی تبریز و بقیه شهرهای آن بود که هم‌جوار با کشورهای عثمانی و روسیه تزاری قرار داشتند. اندیشه‌های مرفعی از طریق تماس‌های مردم ترک زبان آذربایجان با آذربایجان روسیه و ترکیه علت اصلی آگاهی مردم تبریز و اعتراض گسترده آن‌ها به قرارداد بوده است. در واقع بسیاری از این شبنامه‌ها را آزادی‌خواهان ایرانی چاپ می‌کردند، محتوایشان برداشت از مطالب روزنامه‌های در تبعید و منتشر

شده در خارج بود و تا آنجا که لحن بسیاری از شبنامه‌ها با مقالات روزنامه‌ی قانون یکی بود. این مکتوب‌های بدون امضاء را اغلب انجمن‌های مخفی منتشر می‌کردند که ارتباط بسیار مناسبی با آزادی‌خواهان خارج داشتند.

به طور کلی انتشار روزنامه در زمان نهضت تنباکو گسترش چندانی نداشت؛ از این رو صدور شبنامه یکی از مهمترین وسایل ارتباطی در خدمت جنبش بود. با این وجود به دلیل نبود وسایل چاپ در خدمت مخالفان، بیشتر شبنامه‌ها به صورت دستنویس تکثیر و پخش می‌شدند و همین امر مانعی جزئی ایجاد می‌کرد تا معترضان نتوانند به انتشار گسترده و سریع آن‌ها در نهضت تنباکو مبادرت ورزند. البته فقط مساجد و منابر به عنوان فعال‌ترین کانون‌های بسیج توده‌ای بودند که در نهضت تنباکو به صورت مؤثر و کارا، مردم را علیه دولت و کمپانی رژی بسیج می‌کردند.

۳. ابزارها و شیوه‌های اعتراض در نهضت تنباکو

۳-۱. ارسال نامه، تلگراف و عرض حال

هم زمان با ورود نماینده‌ی انگلیسی کمپانی رژی یعنی تالبوت و آغاز کار شرکت رژی در سال ۱۳۰۸ ق. (۱۸۹۱ م.) اعتراضات و مخالفت‌های گروه‌هایی از مردم با امتیاز تنباکو از گوشه و کنار کشور شروع شد و نارضایتی عمومی در شکل‌های گوناگون اعتراض به دولت و کمپانی آشکار گردید. روحانیون و تجار، مخالفت خود را با قرارداد دولت و کمپانی انگلیس از طریق نوشتن نامه برای شاه و ارسال عرض حال به دربار ابراز داشتند.

نامه نگاری و ارسال تلگراف و عرض حال در نهضت تنباکو به عنوان ابتدایی‌ترین و مسالمت‌آمیزترین شکل از اقدام سیاسی بود که بسیاری آغاز آن را به تاجران شهر تهران نسبت داده‌اند. بدین صورت که در تهران بسیاری از تاجران تنباکو به محض اطلاع از انحصار خرید و فروش تنباکو توسط شرکت انگلیسی، سعی کردند در ابتدا با ارسال نامه‌های اعتراضی و دوری از انجام هرگونه عمل خشونت آمیز، نارضایتی خود

را به گوش دربار رسانده و آن‌ها نیز با ترتیب اثر دادن مشکل را حل نمایند. به این ترتیب چندین نامه از سوی تجار تهران جهت لغو قرارداد مزبور به دربار ارسال گردید. در این باره نیکی کدی در کتاب «تحریم تنباکو در ایران» می‌نویسد:

«در ماه مارس یک خبرنگار مخفی ایرانی به سفارت انگلیس اطلاع داد که... شصت نفر از تجار تنباکو در خانه ملک التجار انجمن کرده و عریضه‌ای به ناصرالدین شاه نوشتند با این پیشنهاد که بابت تنباکو مالیات بپردازند تا مبلغی بیش از حق امتیاز عاید او سازند. سپس در ۶ مارس کلیه تجار و داد و ستدگران تنباکو در مسجد شاه گردآمدند... و تجمع گشته و عریضه‌ای به ناصرالدین شاه نوشتند که آنان مطیع کمپانی انگلیسی نخواهند شد» (کدی، ۱۳۵۶، ص ۶۵).

اما ارسال نامه و بیان اعتراض با این شیوه کاملاً مسالمت آمیز مختص تاجران شهر تهران نبود. در آن زمان نامه‌های زیادی از شهرهای دیگر کشور نیز به دربار ارسال می‌گردید. یکی از این شهرها تبریز بود که تاجران آن جا نیز در اقدام هماهنگ دست به نشان دادن ناراضی به شیوه مزبور زدند. با توجه به آمارهایی که از نویسندگان و شاهدان آن دوره منتشر شده، ظاهراً سه نامه از سوی تجار و علمای شهر تبریز به دربار ارسال گشته که هر کدام با لحنی تندتر نسبت به نامه‌های پیشین، شاه را در صورت ادامه‌ی حمایت از سیاست‌های استعماری تهدید به ساقط کردن حکومتش کردند. نیکی کدی در ادامه درباره‌ی اعتراضات تبریز می‌نویسد:

«زمانی که دامنه‌ی اعتراضات به شهر تبریز رسید علمای شهر به خصوص آقا مجتهد تبریزی مجتهد اعظم نامه‌ای با تصویب امیر نظام به ناصرالدین شاه فرستاد و به وی اطلاع داد که تمام مردم آذربایجان به سبب قضیه‌ی رژی از او ناراضی هستند و چنانچه ناصرالدین شاه از رژی پشتیبانی کند او نخواهد توانست پاسخگوی نظم ایالت باشد و از بروز شورش‌ها بیمناک است» (کدی، ۱۳۵۶، صص ۹۷-۹۸).

همان‌طور که در این متن دیده می‌شود نویسندگان به صراحت شخص شاه را مورد خطاب قرار داده و او را به صورت آشکار نسبت به سیاست‌های خارجی‌اش مورد هجوم قرار دادند. بنابراین اگرچه این شیوهی اقدام، شکل مسالمت‌آمیزی دارد ولی محتوای این نامه و نامه‌های بعدی نشان می‌دهند که چقدر می‌توانند رژیم سلطنتی را با چالش جدی مواجه سازند.

علاوه بر تجار و علمای آذربایجانی سایر شهرها نیز از این روش استفاده نمودند. از جمله می‌توان به تجار شهر اصفهان اشاره کرد که نامه‌ای مبتنی بر درخواست فسخ قرارداد توسط امام جمعه به امین‌السلطان، نخست وزیر وقت دادند (مدنی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۵). به گزارش غیر مستقیم برخی نویسندگان، شروع اعتراضات در اصفهان بعد از ارسال نامه به امین‌السلطان و دریافت پاسخ منفی از وی دچار تحول اساسی گردید چرا که ایشان سریعاً متوجه شدند که شیوهی فوق‌الذکر در شرایط فعلی آن دوره و پاسخ تند حکومت نمی‌تواند کارایی لازم را در نیل به مقصود نهایی، یعنی لغو قرارداد انحصار، داشته باشد. به عبارتی نامه‌ی فوق تنها نوشته‌ای بود که از طرف تجار اصفهانی در اعتراض به قرارداد تنباکو به دربار ارسال گردید.

به علاوه در برخی موارد از این گونه اعتراض‌ها، ارسال تلگرام به دربار نیز گزارش شده است. این ابزار در واقع بیشتر از سوی معترضان خارج از کشور در روند نهضت تنباکو مورد استفاده قرار گرفت. به طوری که در یک تقسیم‌بندی کلی‌تر می‌توان ارسال نامه و عرض حال را به داخل کشور و ارسال تلگرام را به خارج از کشور نسبت داد. یک مورد استفاده از ابزار فوق مربوط به اعتراض میرزای شیرازی نسبت به قرارداد مزبور می‌باشد. زمانی که خبر اعتراض‌ها و مخالفت‌ها به سامره رسید میرزای شیرازی پیشوای بزرگ شیعیان در تلگرافی به شاه کجروی دولت وقت را در بیگانه‌پرستی و وطن‌فروشی به باد انتقاد گرفت و قرارداد انحصار را ضد اسلامی خواند و پیشنهاد کرد که عذر شرکت را بخواهند.

به طور کلی روش مخالفان قرارداد در این مرحله آزمون حد و مرز آسیب‌پذیری دولت و نیز قابلیت خودشان در بسیج کردن توده‌ها بود. در ضمن کنش‌گران عمدتاً روحانیون و تجار بودند. و همان طور که اشاره کردیم واکنش دولت و شاه در این مرحله از آغازین انقلاب، بی‌اعتنایی و در برخی موارد تهدیدآمیز بود و در مقابل مخالفان عمدتاً عاری از خشونت و معتدل و میانه روانه بود و رژیم می‌توانست با این اقدام‌ها به آسانی کنار بیاید. با این وجود همین برخوردهای توأم با تهدید از طرف حکومت نه تنها باعث نشد که مخالفین دست از درخواست‌ها و مطالباتشان بکشند بلکه در برابر رژیم استبدادی روش مبارزه‌ی جدیدی را آغاز کردند که این اقدام‌ها، مرحله‌ی نوینی از مبارزات را در تاریخ نهضت تنباکو رقم زد؛ مهم‌تر از همه این که اقدام دسته جمعی به صورت ارسال نامه‌های اعتراضی به حکومت قاجاری برای نخستین بار در تاریخ ایران در نهضت تنباکو وارد چنته‌ی مردمی کنش جمعی قرار گرفت و از آن به بعد در بیشتر اقدام‌های سیاسی - اجتماعی نیز مورد استفاده قرار گرفت.

۲-۳. بست نشینی و تحصن

این واژه در لغت به معنای پناه گرفتن در قلعه و در حصارشدن است. بست‌نشینی در ابتدا به مفهوم پناه بردن افراد مجرم یا مغضوب یا مظلوم به مکان محترم و مقدس، برای دادخواهی یا مصون ماندن از تعرض بود و به تدریج در مکان‌های خاص دیگری نیز انجام می‌شد ولی این شیوه به مرور زمان مفهوم متمایزی پیدا کرد و بیشتر در قالب اعتراض سیاسی و در معنای تحصن به معنای امروزه ظاهر شد. به طور کلی بست‌نشینی و تحصن یکی دیگر از ابزارها و شیوه‌های مبارزه بود که در نهضت تنباکو از سوی مخالفان به کار گرفته شد. مهمترین بست‌نشینی در این دوره، بست سیدجمال الدین اسدآبادی در حرم حضرت عبدالعظیم بود که در سال ۱۳۰۸ ق. روی داد. وی در طول هفت ماه بست، جلساتی برگزار می‌کرد و با افشاگری سیاست‌های قاجار به انتقاد

از آن می‌پرداخت، و شاید این اولین بستی باشد که نه تنها به عنوان پناهگاهی جهت حفظ جان از آن استفاده شد بلکه محلی برای برگزاری اجتماعاتی در اعتراض به سیاست شاه بود، و این دگرگونی در هدف بست نشینان، بست را به مفهوم تحصن نزدیک ساخت (الگار، ۱۳۶۹، صص ۳۰۱-۲۹۹). در این مقاله نیز واژه‌های بست نشینی و تحصن به تبع از معنای یکسانی که هر دو واژه در طول زمان کسب کردند، مترادف برخوردارند.

در نهضت تنباکو نیز بعد از آن‌که پیام اعتراضات اولیه مردم و علما نسبت به انحصار تنباکو از جانب شاه و عوامل انعقاد این قرارداد، پاسخ بایسته و مثبت دریافت نکرد، معترضان مصمم و مبارز و معتقد به خلاف بودن این قرارداد به چاره اندیشی و تفکر برای یافتن راهکارهای تداوم مبارزه تا نیل به مقصود نهایی برخاستند و در نهایت تاکتیک جدیدی به نام بست نشینی را اتخاذ کردند. تحصن و بست نشینی در نهضت تنباکو به عنوان شیوهی مبارزه و مقاومت بود که از سوی مخالفان در برابر حکومت به کار گرفته شد و همانطور که در بالا اشاره کردیم در حقیقت یکی از روش‌هایی است که در تاریخ مبارزات ایران مسبوق به سابقه بود. در زمان ناصرالدین شاه حرم حضرت معصومه (س) در قم، حرم امام رضا (ع) و حرم حضرت عبدالعظیم سه بست مهم بود؛ حرم حضرت عبدالعظیم به سبب نزدیکی به پایتخت قاجاریان، اهمیت خاصی داشت چنان‌که چهره‌های سرشناسی آن‌جا را برای پناه جستن انتخاب می‌کردند. در این دوره، بست‌نشستن در مساجد نیز رواج داشت و برخی از مساجد مکان‌های ویژه‌ای برای بست‌نشینی داشتند، از جمله شاه چراغ و مسجد نو در شیراز (قدسی، ۱۳۴۱، ص ۳۴). خانم شل، بست نشینی را در ارتباط به عمل نشدن قانون می‌داند (شل، ۱۳۶۸، ص ۱۱۶). مخالفان هم با آگاهی از این امر تلاش کردند تا با بستن مغازه‌ها و ترک محیط‌های کاری و تجمع در مکان‌های خاص مخالفت خود را با اقدامات دولت آشکار سازند. الگار در باره‌ی شیوه‌ی مزبور در کتاب «دین و دولت در ایران» می‌نویسد:

«بست‌نشینی در مساجد و منازل علما، آخرین پناهگاه در برابر دولت بود و بسته شدن بازار و به دنبال آن فلج شدن موقت زندگانی شهری به دست بازرگانان، دستاویز قدرتمندی برای اعمال فشار بود» (الگار، ۱۳۶۹، ص ۳۱۰).

در نهضت تنباکو اولین شهری که در نشان دادن اعتراض، دست به تحصن زد شهر شیراز بود. زمانی که دولت به اعتراضات مردم شیراز در الغای قرارداد وقعی نگذاشت و حتی به دستگیری و تبعید برخی رهبران مخالف پرداخت، معترضین بر آن شدند تا اعتراضات خود را به شکل گسترده و مؤثرتری اعلام کنند. بسیاری از تاجران با شنیدن خبر دستگیری فال اسیری، روحانی مخالف قرارداد انحصار، مردم را علیه انگلیسی‌ها و ماموران دولتی تحریک نمودند و در اعتراض مغازه‌های خود را بستند. آن‌ها با جمع کثیری از مردم و وا اسلام‌اگویان به سمت امامزاده‌ی عظیم‌الشان حضرت احمد ابن موسی که معروف به شاه چراغ است حرکت کردند و در آن‌جا بست نشستند (تیموری، ۱۳۵۸، ص ۵۱).

اگرچه تحصن مردم شیراز در نتیجه‌ی حمله‌ی خشونت‌آمیز ماموران دولتی به پایان رسید اما این به معنای شکست بست‌نشینی در نهضت نبود و در شهرهای دیگر ادامه یافت. مشهد شهر دیگری بود که مخالفان شکل مبارزه به صورت بست‌نشینی را بعد از شکست تحصن شیراز برگزیدند. علت تحصن مردم این بود که صاحب دیوان، والی خراسان همه افراد ذی‌ربط به کمپانی، اعم از زارع و تاجر را با تهدید به مجازات‌های سنگین وادار به تعهدی کرده بود که بدون اجازه کمپانی حق خرید و فروش تنباکو را نداشته باشند. اگرچه در این شهر علما و مجتهدین معروف شهر به هدایت و پشتیبانی از برگزاری تحصن نپرداختند با این همه تجار تنباکو فروش و برخی از سایر کسبه‌های شهر از همان آغاز مغازه‌ها را بستند و با گروهی از مردم در صحن مطهر حضرت ثامن الائمه (ع) گردآمدند و در آن‌جا بست نشستند. شب همان روز هم، این گروه علی‌رغم اقدامات خشونت بار حاکمان و پادرمیانی بعضی از مجتهدان در صحن حرم به تحصن خود ادامه دادند (صفائی، ۱۳۶۳، ص ۴۳). با انتشار خبر تحصن تجار در شهر مشهد،

ناآرامی‌هایی در شهر ایجاد شد اما حکمران خراسان به زودی آن‌ها را آرام کرد. فردای آن روز (دوم ربیع الاول) بسیاری از مردم به همراه واعظ سبزواری، میرزا عبدالرحمن مدرس، سید محمود کلاتی پیش‌نماز و دسته‌ای از طلاب به همراه زنان چوب در دست برای حمایت از متحصنین و افزایش فشار بر حکومت در جهت الغای قرارداد انحصار در مسجد گوهرشاد بست نشستند. اما این حمایت‌ها هم کارساز نبودند و تحصن مردم مشهد در پی تلگرام تهدیدآمیز شاه و بدون خشونت و خون‌ریزی به پایان رسید. اما این به معنای پایان مبارزه با قرارداد انحصار تنباکو در مشهد نبود.

با وقوع این رویدادها موج دوم انقلاب به راه افتاد که موجب شد ائتلاف انقلابیون گسترده‌تر شود و علاوه بر علما و تجار بیشتر مردم عادی را نیز در برگیرد. همان طور که دیدیم در مشهد تعداد زیادی از مردم در خیابان‌ها جمع شدند و مغازه‌ها را بستند و حتی به نمایندگان شاه حمله بردند. و در شیراز گروه‌هایی از مردم عادی به جمع متحصنین پیوستند. در بیشتر شهرهای ایران وضعیت فوق حاکم بود و نیروهای مخالف با این روش جدید مبارزه موجی از اعتراضات را به راه انداختند. موج دوم انقلاب در قیاس با موج اول آن از لحاظ دامنه و شدت گسترده‌تر بود: اول آن‌که مردمان عادی هم وارد ائتلاف انقلابی شدند و به علما و تجار پیوستند؛ دوم آن‌که فعالیت‌های انقلابی تقریباً به تمام شهرهای ایران سرایت کرد؛ سوم آن‌که برخوردهای خشونت‌بار هم (به صورت محدود) مشاهده شد.

به هر حال برپایی تحصن‌ها در نهضت تنباکو، بدون رسیدن به مقصود و با تهدیدها و گاهی با واکنش‌های خشونت‌آمیز ماموران قاجار به پایان رسید و مخالفان دریافتند که این نوع شیوهی اعتراض به دلیل این که هم قابلیت همراهی اکثریت افراد و افشار جامعه را ندارد و نیز از سوی دیگر با واکنش شدید دولت روبرو می‌گردد، نمی‌تواند حکومت را با چالش جدی در جهت لغو قرارداد مواجه سازد.

۳-۳. تحریم

تحریم از اشکال غالب مبارزه در نهضت تنباکو به شمار می‌آید که مخالفین به دنبال بی‌نتیجه ماندن اعتراضاتشان نسبت به الغای قرارداد انحصار تنباکو با استفاده از آن فصل جدیدی از مبارزات را علیه تصمیمات استبدادی حکومت قاجاری آغاز کردند. کسروی درباره‌ی شیوه‌ی جدید حملات مردم علیه کمپانی رژی چنین می‌نویسد: «علما یک راه دیگری اندیشیدند و آن این که به کمپانی کاری نداشتند و مردم را از کشیدن چپق و قلیان باز دارند، و این بود که میرزای شیرازی حکم به حرام بودن قلیان و چپق داد» (کسروی، ۱۳۷۸، ص ۵۲).

بعد از اعتراض تجار اصفهان پیرامون الغای قرارداد انحصار و تهدید از سوی ظل‌السلطان حاکم شهر، علمای شهر اصفهان وارد عمل شدند و برای پایان دادن به کار شرکت رژی چاره را در آن دیدند که «مسلمانان ایران بالمره از استعمال دخانیات ممتنع کنند تا باب داد و ستد این اجناس در مملکت یکسره مسدود گردد» (کربلایی، ۱۳۷۳، ص ۵۶). درباره‌ی آغاز تحریم توتون و تنباکو از سوی مردم اصفهان در گزارشی که ظل‌السلطان به تاریخ ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۰۹ برای شاه فرستاد، نسبت به رفتار علمای اصفهان - آقا نجفی، برادرش آقا محمد علی و آقا باقر فشارکی، می‌نویسد:

«این غلام [ظل‌السلطان] نمی‌دانست در منبر و مسجد و خانه‌شان چه می‌گویند و در مجلس درس چه مذاکره می‌نمایند؟ در این سه جا کشیدن قلیان را حرام و کشت و زرع تنباکو را حرام اندر حرام و حامی فرنگی را واجب القتل و نوکر وبستگان آن‌ها را نجس العین اعلام کردند» (صفائی، ۱۳۶۳، ص ۲۳-۲۲).

از سوی دیگر میرزای شیرازی در واکنش شاه و اقدامات مصرانه او در جهت اجرای سیاست‌های شرکت رژی در تلگرافی مبارزه جدی خود را اعلام کرد. وی در اواسط آذر ماه سال ۱۲۷۰ با صدور فتوایی هرگونه استفاده از تنباکو را ممنوع اعلام کرد (کرمانی، ۱۳۶۲، ص ۱۲). متن آن به شرح زیر در سراسر کشور منتشر شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم- اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان است.»

حرره الاحقر محمد حسن الحسینی

در پی انتشار این حکم، مردم بی‌درنگ دست به کار شدند و قلیان‌ها را در میادین جمع کرده آتش زدند. دکان‌های تنباکو فروشی را بستند و دست از تدخین برداشتند. این اقدام صریح عمومی باعث شگفتی همه شد (ملک آرا، ۱۳۶۱، ص ۱۱۶) دکتر فوریه که در همان روز وصول حکم به گوش او رسیده بود در گزارش خود می‌نویسد: «فتوایی از عتبات رسیده و بر مردم امر شده که برای برچیدن کمپانی از استعمال دخانیات خودداری کنند. این فتوا با انضباط تمام رعایت شده است. تمام توتون فروشان دکان‌های خود را بسته و تمام قلیان‌های خود را برچیدند و احدی نه در شهر و نه در میان نوکران شاه در اندرون او لب به دخانیات نمی‌زدند» (فوریه، ۱۳۶۳، ص ۲۳۱).

گزارش دکتر فوریه نشان از آغاز شکل تازه‌ای از اقدام سیاسی دارد. به این ترتیب که مخالفان به صورت سرتاسری با حکم تحریم کالایی که در انحصار بیگانگان بود و حکومت نیز به حمایت از آن می‌پرداخت، دست به اقدام سیاسی زدند و نقطه‌ی مقابل خود را حکومت و نظام سیاسی قرار دادند. در واقع با این تحریم کل نظام تجارت تنباکو متوقف شد و هیچ تاریخ‌نگاری از آغاز اجرای حکم تحریم هیچ نوع استفاده از تنباکو را گزارش نکرده است. در این خصوص علماء و تجار نقش برجسته‌ای داشتند.

با تداوم مبارزه و گذشت زمان دامنه‌ی تحریم لحظه به لحظه گسترده‌تر گشت. برای مثال اثر حکم نه تنها باعث تحریم تنباکو در میان مردمان عادی گردید بلکه دامنه تحریم به حرم‌سرای ناصرالدین شاه نیز رسید که طی آن زنان حرم‌سرا به غلامان و پیش‌خدمتان دستور دادند که سرقلیان‌ها و سرچیق‌ها را بشکنند و برای اطلاع ناصرالدین شاه جلوی در خوابگاهشان بریزند (تیموری، ۱۳۵۸، ص ۱۰۶).

به نظر می‌رسد که قاجار با تهدید رهبران نهضت و دستگیری برخی از تحریم کنندگان و حتی در برخی مواقع انجام خشونت علیه آن‌ها قصد پایان دادن به تحریم سرتاسری تنباکو را برنامه‌ریزی کرده بود. اما در نهضت تنباکو این آخرین شیوهی اعتراضی مخالفان در برابر حکومت نبود که با تهدید و سرکوب بتوان آن را بدون رسیدن به هدفش که پایان دادن به انحصار است، از بین برد. به این ترتیب این شکل از اقدام سیاسی در تاریخ روز جمعه ۲۳ جمادی الاول با توسل مخالفان به تظاهرات به پایان می‌رسد؛ یعنی زمانی که حکومت تصمیم به تشدید فشارها بر رهبران جنبش می‌گیرد و کنشگران جنبش تصمیم بر تغییر شیوه اعتراض می‌گیرند و مبارزات را به خیابان‌ها می‌کشانند.

۳-۴. واکنش توده‌ای

تظاهرات یکی دیگر از شیوه‌های اعلام نارضایتی در نهضت تنباکو بود که معترضان برای تحت فشار گذاشتن دولت به برگزاری آن پرداختند. لیتره در تعریف تظاهرات، برای اولین بار آن را «گردهمایی برای ظاهر ساختن یک نیت سیاسی» تعریف کرد. طبق این تعریف تظاهرات، شکل فیزیکی عقیده و نمایش افکار عمومی است؛ چرا که اراده ملت را به خود ملت نشان می‌دهد (ژودیت، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷). علاوه بر ویژگی‌هایی که طبق تعریف لیتره برای تظاهرات برشمردیم مشخصه‌های دیگری نیز وجود دارد که هر تظاهرات به طور طبیعی باید از آن برخوردار باشد. مواردی همچون سردادن شعارهای دسته‌جمعی و حمل پلاکاردهایی که هدف و ایدئولوژی تظاهرکنندگان در آن‌ها تجلی می‌گردد.

به این ترتیب در سال‌های پایانی نهضت تنباکو ما نیز تقریباً شاهد اعتراضی به شکل بالا بوده‌ایم. این اولین باری بود که مردم ایران برای نشان دادن نارضایتی خود تظاهرات را به عنوان شکل کنش جمعی انتخاب کردند. اگرچه مقامات قاجار آن را به عنوان شکل‌های قانونی و معمول کنش سیاسی به رسمیت نمی‌شناختند با این وجود،

نخستین تظاهرات در نهضت تنباکو برگزار شد. به این ترتیب که در واکنش به سیاست تهدیدآمیز شاه نسبت به رهبران نهضت و نتیجه ندادن شیوه‌های مسالمت‌آمیز مبارزه، مخالفان حملات شدید و جدی را علیه حکومت و دولت به صورت حضور در خیابان‌ها آغاز کردند. یک هفته بعد از لغو داخلی امتیاز توتون و تنباکو در تاریخ روز جمعه بیست و سوم جمادی الاول سال ۱۳۰۹ ق. شرکت، تحت فشار مردم و سیاستمداران خارجی مجبور شد که به دولت ایران مراجعه کند و مسئله حل تحریم را خواستار شود. ناصرالدین شاه در برابر این فشارها تصمیم می‌گیرد که با تحت فشار گذاشتن مجدد میرزای آشتیانی به این غائله پایان دهد.

همین امر دلیلی می‌شود تا مخالفان خشمگین‌تر و گسترده‌تر مطالبات خود را طلب نمایند و مقدمات برگزاری یک تظاهرات بزرگ را تدارک ببینند. تظاهرات این روز با حرکت طلاب و دعوت آن‌ها از مردم جهت جلوگیری از مهاجرت میرزا آغاز شد. در پاسخ به این دعوت مغازه‌داران دکان‌های خویش را بستند و همراه مردمان عادی به سمت منزل میرزای آشتیانی، محل شروع تظاهرات روانه شدند. زنان پیشاپیش مردان به تظاهرات اعتراضی دست زدند و به سمت کاخ شاهنشاهی حرکت کردند و فریادهای خویش را در آسمان تهران طنین افکن کردند. مغازه‌ها بسته شدند و جمعیت هرلحظه نسبت به لحظه گذشته انبوه‌تر گردید. کرمانی می‌نویسد:

«تمام مغازه‌ها بسته می‌شود طوری که در شهر به این بزرگی حتی یک مغازه باز نبود. و حدود ۴۰۰۰ نفر معترض اطراف کاخ شاه گردآمدند» (کرمانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۱).

اما طولی نکشید که این تظاهرات در مواجهه با نگهبانان کاخ، شکل خشونت آمیزی به خود گرفت و چند نفر از معترضان کشته شدند. درباره‌ی تعداد کشته شدگان آن روز نویسندگان و شاهدان آمارهایی که تقریباً نزدیک به هم بودند را گزارش کردند. برای مثال فوریه و اعتماد السلطنه تعداد کشته‌ها را هفت تن آورده‌اند و وزیر مختار

انگلیس در گزارش ده روز پس از حادثه می‌نویسد: «حالا اطلاع یافتیم که دست کم ده تن کشته شدند» (آدمیت، ۱۳۶۰، ص ۱۲۵).

شعارهایی که در این تظاهرات از سوی تظاهرکنندگان سر داده شدند عبارت بودند از: «وا اسلاما، وا شریعتا»، «یا علی، یا حسین»، «علمای ما را بیرون کنند، اموات ما را فرنگیان کفن و دفن کنند» (فوریه، ۱۳۶۳، ص ۲۳۹).

این بحران، دگرگونی‌های بنیادینی را که در ایران سده نوزدهم روی داده بود، آشکار ساخت و نشان داد که اعتراضات محدود و محلی می‌تواند به نهضتی عمومی تبدیل شود. در واقع، اعتراض به امتیاز انحصار توتون و تنباکو نخستین بخش از مبارزه‌ی موفقیت‌آمیز مردم ایران در تاریخ معاصر بود که منجر به شکست قاجار و موفقیت مردم نسبت به الغای همه جانبه امتیاز انحصار تنباکو گردید. در پایان به طور مشخص اگر بخواهیم درباره تظاهرات سخن بگوییم به گواه تاریخ به رغم بروز ناگهانی آن در نهضت تنباکو، تظاهرات شیوه‌ی قابل دسترسی برای بیان ادعاهای جمعی نبوده و همان‌طور که ملاحظه کردیم تنها یک مورد تظاهرات در کل فرایند نهضت گزارش شده است. همچنین همین مورد نیز تمام ویژگی‌هایی را که یک تظاهرات به معنای امروزی باید داشته باشد را با خود حمل نمی‌کرد. تظاهراتی که مردم برای لغو قرارداد انحصار توتون و تنباکو به راه انداختند در حقیقت یک اقدام ابتکاری محسوب می‌شد که باعث شد تا این شیوه‌ی اعتراض به چپته کنش اجتماعی مردم ایران افزوده شود. طوری که پس از موفقیت و پایان نهضت تنباکو، تظاهرات به عنوان شیوه معمول در مطالبات سیاسی سایر جنبش‌های سیاسی ایران درآمد.

۳-۵. ممانعت از ورود کارگزاران شرکت رژی

یکی دیگر از شیوه‌هایی که مخالفان با توسل بدان در جهت لغو قرارداد انحصار توتون و تنباکو تلاش کردند، ممانعت از ورود نمایندگانی بود که شرکت رژی برای اجرای برنامه‌های خود، آن‌ها را روانه شهرها و روستاهای سراسر کشور کرده بود. مخالفان که نتوانسته بودند با آشکار ساختن مضرات قرارداد انحصار، دولت را از ادامه همکاری با کمپانی منصرف سازند؛ این بار تصمیم گرفتند تا با تهدید و ارباب

نمایندگان کمپانی، مستقیماً به عامل قرارداد حمله کنند. از این رو در بیشتر شهرهای کشور، مخالفان با ناامن نشان دادن شهرها، شرایط را طوری فراهم کردند که موقتاً هیچ یک از نمایندگان کمپانی جرأت وارد شدن به شهرها را پیدا نکنند. با این حال شهرهایی نیز بودند که تا پایان لغو قرارداد با همین شیوه، مقاومت خود را ادامه دادند.

در یک تقسیم‌بندی کلی، شیراز و تبریز به عنوان دو شهر مهم مخالف قرارداد انحصار، شیوه‌ی فوق را در مبارزه با کمپانی آغاز کرد. مردمان این دو شهر که در صورت به اجرا گذاشتن انحصار، آسیب‌های بیشتری را نسبت به سایر شهرهای کشور متوجه می‌شدند سریعاً دست به واکنش ظاهراً خشونت‌بار زدند.

در نتیجه‌ی شرایط کشت و تجارتي که برای دو شهر فوق مهم بودند، آشکار است که اعتراضات بوجود آمده از آن نیز بس متفاوت از شهرهای دیگر خواهد بود. به عبارتی می‌توان شکل، شدت، دوام و گستره‌ی اعتراضات را در این دو شهر بسیار متفاوت از سایر شهرهای کشور در نظر گرفت. برای نمونه شیوه‌ی اعتراض به صورت ممانعت از ورود کارگزاران شرکت رژی در طول نهضت تنباکو فقط در شهرهای شیراز و تبریز مشاهده گردید. در تبریز تنها مردم این شهر بودند که تا لغو قرارداد نمایندگان شرکت را راه ندادند و مبارزاتشان از دوام و گستره‌ی بیشتری برخوردار بود.

در شیراز بازرگانان تنباکو فروش به محض مطلع شدن از ورود نمایندگان، با همراهی کردن بسیاری از مردمان عادی و روحانیون مخالفت خود را اعلام کردند. آن‌ها با تجمع در مسجد وکیل شیراز و اعلام این که نمایندگان رژی را به محض ورود به شهر خواهند کشت، مبارزشان را آغاز کردند. شیخ حسن کربلایی در کتاب تاریخ دخانیه درباره‌ی واکنش مردم شیراز نسبت به اجرای قرارداد انحصار تنباکو می‌نویسد:

«قبل از ورود فرنگیان، این خبر میان عموم مردم شیراز انتشار گرفته؛ خلق دهشت‌زده شیراز از هر سوی بر سر علمای اعلام بلد شورش نمودند. علمای بلد نیز به صلاح دین و دولت از پذیرفتن این گونه تکلیف شاق دولت که منافی مقاصد ملت و ملک (و دین) بود، اظهار گرانباری کردند. این شد که بدین جهت حکومت شیراز تا چند روز ممکن نشد که مقدم مهمانان عزیز و گرامی دولت را

حسن پذیرایی نموده و تشریفات استقبال ورود آنها را فراهم سازد؛ لهذا فرنگیان تا چندی دور از بلد اقامت گزیدند...» (کربلایی، ۱۳۷۳، ص ۹۰).

اما در تبریز اوضاع از شیراز نیز آشفته تر بود. در تبریز علما به همراهی اکثر تجار تنباکو فروش و مردمان عادی پس از اطلاع از امضای قرارداد، اعتراضات خود را در قالب تهدید تمامی عوامل اجرای قرارداد آغاز کردند. آنها تقریباً با مسلح شدن و یا با اقدامات تهدیدآمیز دیگری از این قبیل، از ورود کارگزاران شرکت ممانعت کردند. در واقع مردم تبریز تصمیم گرفته بودند که با راه ندادن عوامل اجرای قرارداد به داخل شهر، انحصار را همان ابتدا، قبل از شروع از بین ببرند. اگرچه هیچ گونه اقدام خشونت بار عینی از سوی معترضان در تبریز مشاهده نشد اما همین تهدیدها توانست حکومت مرکزی را از اجرای قرارداد در تبریز منصرف سازد.

۶-۳. پاره کردن اعلان های شرکت رژی

از دیگر راه هایی که مخالفان در نهضت تنباکو، اعتراض خودشان را در برابر انحصار آشکار ساختند، مبارزه به شیوهی پاره کردن اعلان هایی بود که شرکت رژی در جهت تبلیغات فعالیت های خود به دیوارهای منازل و اماکن عمومی نصب کرده بود. شرکت در ابتدا برای همراه سازی افکار عمومی در یک اقدام فوری دست به تبلیغات گسترده ای زد؛ به این ترتیب که اهداف و حوزه ی فعالیت های خود را بر روی تکه کاغذهایی نوشته و در سراسر شهر پخش کردند. اما مخالفان که به هیچ وجه راضی نبودند شرکت فعالیت خود را آغاز نماید تصمیم گرفتند که با پاره کردن اعلان های شرکت به مقابله با آنها بپردازند. در این میان تبریز تنها شهری بود که مبارزه با شیوهی فوق را در برابر شرکت رژی آغاز کرد. فوریه فرانسوی طبیب مخصوص ناصرالدین شاه در یادداشت های خود چنین آورده است:

«در تبریز اعلانات کمپانی دخانیات را از دیوارها کنده و جای آنها را اعلانات انقلابی چسپانده اند» (فوریه، ۱۳۶۳، ص ۱۶۵).

طبق گزارش‌هایی که در اکثر نوشته‌های مورخان آن دوره ثبت شده، معترضان تبریزی تقریباً تمام آگهی‌های شرکت رژی را از همان موقع تکثیر در شهر کنده و اعلان‌های خود را نصب نمودند. در یکی از اعلان‌هایی که همین طور در ۲۹ اوت گزارش شده، آمده بود که کارمندان ایرانی رژی در اعلان‌ها تهدید شده‌اند که چنانچه استعفاء ندهند کشته خواهند شد و بسیاری از آن‌ها استعفاء دادند (کدی، ۱۳۵۶، ص ۱۲۱). اگرچه دامنه‌ی اعتراض به شکل فوق در نهضت تنباکو فراگیر نبوده و نسبت به سایر شیوه‌ها کمتر مورد استفاده‌ی مخالفان واقع شد، اما همین شیوه نیز آنچنان ترسی را در دل حکام قاجار و کارگزاران شرکت رژی افکند که هرگز نتوانستند برنامه‌های مدنظرشان را به مرحله اجرا درآورند.

جمع‌بندی

موارد و شواهدی که در این تحقیق آوردیم نشان دهنده‌ی شکل‌گیری ابزارها و شیوه‌های اعتراض طی سال‌های ۱۲۶۹ق. و ۱۲۷۰ق. می‌باشد. مخالفان که نخستین بار اعتراضات خود را در شکل اقدام‌های اجتماعی - سیاسی با نهضت تنباکو آغاز کردند؛ با توسل به انواع شیوه‌ها و ابزارها، مبارزات سیاسی خود را آشکار ساختند. آن‌ها اعتراضات خود با شیوه‌های بست نشینی و تحصن، ارسال نامه و عرض حال، تحریم، تظاهرات توده‌ای، پاره کردن اعلام‌های شرکت رژی و ممانعت از ورود نمایندگان شرکت نشان دادند. تحریم که اصلی‌ترین شیوه‌ی مبارزه‌ی مخالفان در این نهضت بشمار می‌رفت توانایی بسیار بالایی در به چالش کشیدن نظام سیاسی وقت داشت؛ به طوری که می‌توان آن را به عنوان غالب‌ترین شکل اعتراض در نهضت تنباکو معرفی کرد. ولی سایر شیوه‌های مبارزه به صورت محدودتری در اختیار مخالفان قرار گرفتند. در طول نهضت تنباکو تنها یک مورد تظاهرات آن هم به صورت ابتدایی و نه چندان نزدیک به معنای امروزی گزارش شد و اکثر بست نشینی‌ها با شدت عمل حکومت سرکوب شدند.

با این وجود از نخستین روزهای جنبش‌های اجتماعی در ایران، روزنامه‌ها، شبنامه‌ها و دیگر رسانه‌های سنتی از قبیل مساجد و منابر وظیفه‌ی بسیج توده‌ها را برعهده گرفتند، فعالیت‌های آینده‌ی جنبش را اعلام کردند و فعالیت آن را مورد ارزیابی قرار دادند. شکل‌گیری نخستین ابزارها و شیوه‌ها جهت بسیج توده‌ها با نهضت تنباکو در شکل روزنامه‌ها، مساجد و منابر و شبنامه‌ها آغاز گردید. اگرچه سطح سواد جامعه در دوران نهضت تنباکو نسبتاً پایین بود، با این حال بسیج‌گری توده‌ای با نوشتن مقالات در روزنامه‌ها آغاز گردید. هنگامی که مخالفان از قرارداد انحصار تنباکو آگاهی یافتند، سریعاً با انتشار مقالاتی در ارتباط با مضرات اصلی قرارداد، مردم را به مبارزه دعوت نمودند.

یادداشت‌ها

1. Repertoire

۲. WUNC مخفف چهار کلمه ارزشمندی (worthiness)، وحدت (unity)، تعداد (number) و تعهد (commitment) است.

کتابنامه

آدمیت، فریدون (۱۳۶۰)، *شورش بر امتیازنامه رژی*، تهران: انتشارات پیام
الگار، حامد (۱۳۶۹)، *دین و دولت در این: نقش علما در دوره قاجاریه*، ترجمه ابوالقاسم
سری، تهران: انتشارات توس
براون، ادوارد (۱۳۷۶)، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران*، ترجمه محمد عباسی، ج ۱ و ۲، تهران:
انتشارات معرفت
تیلی، چارلز (۱۳۸۹)، *جنبش‌های اجتماعی ۱۷۶۱-۲۰۰۴*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران:
دانشگاه امام صادق(ع)
همو (۱۳۸۵)، *از بسیج تا انقلاب*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی(ره)
و انقلاب اسلامی
تیموری، ابراهیم (۱۳۵۸)، *جنبش تنباکو اولین مبارزه منفی در ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر

- رهبری، مهدی (۱۳۸۷)، «روحانیت، انقلاب مشروطه و ستیز میان سنت و تجدد»، دانش سیاسی، سال چهارم، شماره اول
- زنجانی، محمد رضا (بی تا)، تحریم تنباکو، تهران: موسسه انتشارات فراهانی
- ژودیت، لازار (۱۳۸۳)، افکار عمومی، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر نی
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۵)، «قومیت از منظر سیاست‌های هویت»، دانش سیاسی، شماره سوم
- شیل، مری (۱۳۶۸)، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: انتشارات امیر کبیر
- صفایی، ابراهیم (۱۳۶۳)، اسناد سیاسی در دوران قاجار، تهران: انتشارات جاوید
- فوریه (۱۳۶۳)، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، تهران: انتشارات علمی
- قدسی، اعظم (۱۳۴۱)، کتاب خاطرات من یا تاریخ صد ساله، تهران: انتشارات ابوریحان
- کدی، نیکی (۱۳۵۶)، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم مقامی، تهران: انتشارات زندگی
- کربلایی، شیخ حسن (۱۳۷۳)، تاریخ دخانیه، به کوشش موسی نجفی و رسول جعفریان، تهران: انتشارات امیر کبیر
- کرمانی، ناظم السلام (۱۳۶۲)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: انتشارات آگاه
- کهن، گوئل (۱۳۶۰)، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ج ۱ و ۲، تهران: نشر آگاه
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۶۱)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱ و ۲ و ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی